

# گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به هویت های چند گانه

و

## عوامل موثر بر آن

### ۱- سکینه اخباری شجاعی

دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

Arame.shoja@yahoo.com

### ۲- دکتر حسین بنی فاطمه

استاد جامعه شناسی دانشگاه تبریز

گروه علوم اجتماعی، تبریز-ایران

Banifatemeh1382@yahoo.com

### چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به هویت‌های چندگانه (قومی، ملی، دینی، جهانی) و عوامل مرتبط با آن انجام گرفته است. به عبارت دیگر در این تحقیق میزان ترکیبی بودن هویت (بر خلاف نظریه "تک هویت") مورد بررسی واقع شده است. روش تحقیق پیمایشی است، جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای نسبتی و ابزار تحقیق پرسشنامه بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون F، آزمون T، آنالیز واریانس و آزمون تعقیبی LSD استفاده شده است. نتایج نشان داده که هویت جهانی با ۷۹/۵۵ میانگین بالاترین میزان گرایش و هویت‌های قومی، ملی، دینی در اولویت‌های بعدی قرار دارند. بین استفاده از فناوری اطلاعاتی و میزان گرایش به هویت جهانی رابطه مستقیم وجود داشته ولی بین سه بعد دیگر رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین بین سن دانشجویان و محل سکونت آن‌ها (شهری یا روستایی بودن)، ساکن و غیرساکن بودن در خوابگاه و مقطع تحصیلی و گرایش به هویت‌های چندگانه رابطه معنی داری وجود ندارد. رابطه بین طبقه اجتماعی متوسط با هویت دینی معنی دار بوده ولی با سایر ابعاد هویت رابطه معنی داری ندارد. میزان گرایش به هویت دینی در بین دانشجویان متأهل بطور معنی داری بیشتر از دانشجویان مجرد است. میزان گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان پسر بطور معنی دار بیشتر از دانشجویان دختر است.

**واژگان کلیدی:** هویت چندگانه، هویت قومی، هویت ملی، دینی، جهانی و فناوری اطلاعاتی

**مقدمه:** از آغاز حیات مهم‌ترین دغدغه بشر و شاید فلسفه حیات وی این بوده است که «شدن» خویش را خود انتخاب نموده و معنا کند. هویت همان شکلی است که ما به «شدن» خود می‌دهیم. پاسخی است به کسیتی و چگونه ساخته شدن مان، پاسخی که در برگزیده عبارات و مفاهیم بسیار متنوع در موقعیت‌های مختلف است. در این ساخت بی‌انتهای عوامل متعددی دخالت دارند که همگی آن‌ها بر یک وجه و اصل مشترک تکیه دارند و آن همان است که مولانا می‌گوید:

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجویید روزگار وصل خویش

اشکال و شیوه‌های رسیدن به این اصل در افراد و جوامع متنوع بوده و هست و خواهد بود. انسان جستجوگر در پی یافتن اصل خویش در دوران‌های مختلف تاریخی از طریق تعاملات فرهنگی رنگ و معنای خاصی را به جامعه «شدن» خویش پوشانده است. ارتباطات فرهنگی بین جوامع و تمدن‌ها در طول زمان مهم‌ترین راه در جهت شکل‌دهی به ویژگی‌های هویتی افراد بوده است. تاثیر ارتباطات فرهنگی با رشد و توسعه تکنولوژی و فناوری ارتباطی روز به روز پیش‌تر شده و به عنوان یک مساله اجتماعی مورد توجه صاحب‌نظران مختلف واقع شده است. اهمیت این تاثیر در زمینه هویت بسیار جدی بوده و از نظر عده‌ای از صاحب‌نظران تحت عنوان «بحران هویت» مطرح می‌شود. امروزه چه کشورهای توسعه یافته و ثروتمند غربی و چه کشورهای توسعه نیافته و فقیر جهان سوم شاهد حضور چشمگیر عناصر مختلف فرهنگی در زندگی سیاسی اجتماعی خود هستند. و برجسته شدن فرهنگی نه تنها بسیار فراگیر و گسترده است نموده‌ها و مصادیق گوناگونی نیز دارد. بطور کلی می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد: خیزش‌ها و ستیزهای قومی، جنبش‌های ملی‌گرایانه، که تحت عنوان «موج سوم ناسیونالیسم» مورد بررسی قرار گرفته است. بنیادگرایی‌های دینی شکل دیگری از خاص‌گرایی‌های فرهنگ را تشکیل می‌دهند. افزون بر این‌ها خاص‌گرایی‌های فرهنگ دیگری نیز وجود دارند که در قالب جنبش‌های اجتماعی افراطی، نژادپرستی‌های جدید، گروه‌های نفرت و از این قبیل پدیدار می‌شوند. (گل‌محمدی، ۱۳۸۳)

**بیان مساله:** تعریف هویت را برای اولین بار اریکسون ارائه کرد، وی هویت را در اصطلاح یک حس کلی درونی توصیف کرد که شامل بوجود آمدن یک احساس این‌همانی و وحدت شخصیت بوده و فرد آن را احساس کرده و دیگران آن را تشخیص می‌دهند و از زمانی به زمان دیگر مشابه است. (علی‌خانی، ۱۳۸۳) به نظر آلتوسر در دوران جدید، انسجام اجتماعی از طریق روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی در شکل‌دهی به هویت حفظ می‌شود. روابط ترکیبی همانند پنجه دست است که در آن هر بندی استقلال یا هویت مستقل از کف دارد، در عین حال با هم گونه‌ای روابط ترکیبی دارند. وجود بندهای مستقل به این معنا نیست که اینها رابطه تزامنی دارند و بند اول باعث تضعیف و ضایع شدن بند دوم و در نهایت فروپاشی ساخت می‌شود، بلکه این تعلقات و شیوه‌های مختلف را می‌توان در مجموع و در کنار یکدیگر و در تعامل با هم دید، یا به عبارت دیگر هویت‌های امروزی ترکیبی از تعلقات مختلف بوده و چند گانه هستند و باهم در شاکله هویتی فرد حضور دارند. (عبدالهیان،

۱۳۷۸) مفهوم ترکیبی بودن در علوم اجتماعی اصولاً بر آفرینش پویای فرهنگ‌های مختلف اشاره دارد و در واقع به معنی ترکیب فرهنگ‌های مختلف ناشی از مهاجرت، سنت‌های قدیم و جدید و یا فرهنگ مدرن (و یا استعماری) می‌باشد. این اصطلاح برای نخستین بار توسط هومی بابا در ۱۹۶۸ مطرح شد. که به معنی کنش فعالانه برای تلفیق ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف بود. (به نقل از حاجیانی، ۱۳۹۰). در هویت چند گانه نظام‌های معنایی که هر فرد و یا گروه اخذ و جذب می‌کند، آمیزه‌ای از چند یا چندین فرهنگ و خرده فرهنگ دارای منابع و خاستگاه‌های متفاوت است. بسیاری از جوامع دربرگیرنده افراد و گروه‌هایی هستند که همچنان به دین نیاکان خود پای بند هستند، ولی در گذران اوقات فراغت خود، به شدت از فرهنگی دیگر تاثیر می‌پذیرند. یک بودایی شاید در اجرای مراسم مذهبی خود بسیار سخت‌گیر باشد، ولی موسیقی پاپ امریکایی را بر موسیقی بومی خود ترجیح می‌دهد. این گونه موارد که به آسانی می‌توان مثال آن را بسیار افزایش داد، بر متکثر و متنوع بودن منابع و مآخذ فرهنگی زندگی و اندرکنش‌های افراد دلالت دارد که محصول جدایی و رها شدن فرهنگ از چارچوب سرزمینی و ملی است و در نتیجه منابع هویتی افراد نیز متکثر خواهد بود. (به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۳).

مید اساساً به تنوع و وجود خودهای متنوع اعتقاد داشت. چرا که وی بر ماهیت فرایندی هویت مستمراً تاکید کرده است. بنابراین، او لاجرم امکان انطباق و سازش بین ابعاد مختلف هویت را پذیرفته است. تامل مید در این خصوص بسیار اصولی به نظر می‌رسد، زیرا او از رویکردهای زیستی و جسمانی (و تا حدی شناختی) آغاز کرده و نهایت به حوزه اجتماع رسیده است. مید در بررسی نظریه چارلز داروین به سازگاری و ضرورت آن در زندگی حیوانات و بعداً آدمی رسید. براساس نظریه مید «خود» می‌تواند چندگانه، تودرتو و چند لایه و چندمرکزی، چند بعدی و متکثر باشد (و نه سلسله مراتبی). بنابراین هویت اجتماعی یگانه، منسجم، یکپارچه و کلی نیست، بلکه خود یا همان هویت چند پاره، متکثر، مرکب، چند لایه و چند بعدی است. خود پدیده‌ای ثابت و یکسان نیست، بلکه توانایی و امکان تغییر و تحول دارد. براساس نظریه مید و پیروانش خود یا هویت هر کنشگر دارای سطوح و انواعی از تعلق است که همه آن‌ها باهم در شاکله هویتی فرد حضور دارند. هر فردی به صورت طبیعی میان چندین نوع تعلق که در «خود» او لانه گزیده‌اند و نمادینه شده‌اند قرار دارد و البته به فراخور شرایط زمانی و مکانی، نوع، ترکیب و سهم هر منبع هویتی تغییر می‌یابد (حاجیانی، ۱۳۹۰). فکر اصلی مید آن است که شخصیت (منظور همان خود یا هویت است) در فرایند تحولات اجتماعی ظهور می‌کند و در بطن زندگی که عمده‌ترین مظاهر آن فعالیت‌های مختلف اجتماعی است رشد می‌نماید (توسلی، ۱۳۸۱).

از جدیدترین رویکردهایی که در حوزه علم علوم اجتماعی مطرح شده است می‌توان به نظر یا دیدگاه آمارتیاسن اشاره کرد. وی در آخرین اثر منتشر شده خود در ۲۰۰۶ و در کتاب هویت و خشونت، با تاکید بر نظریه جامعه‌شناسان و نیز تجارب بررسی‌های خود در شبه قاره هند تاکید دارد که هر فرد در زندگی عادی، همزمان خود را عضو و متعلق به گروه‌های متعدد و

متفاوتی می‌داند. تعلقات و وابستگی‌ها و دلبستگی‌های افراد به کشوری که تابعیت آن را دارند، سرزمینی که در آن زاده شده‌اند، شهر و محلی که در آن اقامت گزیده‌اند، اصل و نسب، جنسیت، وابستگی طبقاتی، اعتقادات مذهبی، دیدگاه‌های سیاسی، شغل، ورزش، موسیقی مورد پسندشان همه و همه بخشی از هویت آنان را تشکیل می‌دهد بنابراین و بی‌تردید هویت هر کس منحصر به فرد است (البته در سطح فردی و نیز در سطح جمعی) و هویت برآیندی است از مجموعه تعلقات و وابستگی‌های او و این صریحاً مخالف ایده معتقدان به نظریه «تک هویتی» است. او این یافته را از لحاظ جامعه‌شناختی چندان جدید و تازه نمی‌داند و معتقد است که بر هیچ کدام از هویت‌های فرد نباید به عنوان هویت اصلی یا وابستگی خاص او تاکید کرد و آن را بزرگ و برجسته نمود. در حالی که «تک هویتی بودن» به مثابه یک دام و نظریه کاذب به ناگزیر تنها یک هویت را «هویت راستین» معرفی می‌کند. وی ضمن رد نظریه منازعه فرهنگ‌ها، گناه اتخاذ چنین دیدگاهی را به نظریه‌های فرهنگ باوری می‌داند که به تفاوت‌های مهم موجود در فرهنگ‌ها و نیز روابط میان آنها نمی‌پردازد. او به مثال‌های متعددی درباره پیوندها و همبستگی‌های فرهنگی سرزمین‌های گوناگون اشاره کرده است. وی تاکید کرده که «بحران هویت» به معنی درک ناصحیح و کاذب از این واقعیت است که انسان‌ها هویتی تک و منحصر به فرد دارند و با صرف وابستگی‌های به خودی‌ها می‌توان به آرامش رسید. این تلقی موجب بروز خشونت می‌شود. (حاجیان، ۱۳۹۲)

هویت‌های چندگانه یا ترکیبی، هویت‌هایی هستند که منابع و عناصر تشکیل دهنده آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوتی تعلق دارند. مثلاً افراد و گروه‌هایی که دست‌کم با دو فرهنگ زندگی می‌کنند، دارای چنین هویت‌هایی هستند. (به نقل از گل محمدی ۱۹۹۵). هویت‌های ترکیبی یا چندگانه محصول ترکیب ظریف و پچیده امرعام خاص هستند. این گونه هویت‌ها در شرایطی ساخته می‌شوند که فرد در عین توسل به منابع محلی هویت به اصول و ارزش‌های عام نیز پای‌بند شد. (به نقل از گل محمدی، ۲۰۰۰)

**اهمیت موضوع:** امروزه با توجه به قدرتی که فناوری ارتباطی به انسان داده است که از طریق آن می‌تواند در یک فضای مجازی و بدون نیاز به مکان و زمان مشترک با دیگران و با کیستی‌ها و چیستی‌های متنوع به گفتمان پرداخته و انتخاب نماید و تکاپو در جهت «شدن» به یک چالش تبدیل شده است. بشر امروزی در پی شدن لایتناهی در میان هویت‌های مختلف آیا باید دست به گزینه و انتخاب بزند یا با تعامل میان هویت‌های مختلف می‌تواند در دنیای کنونی به حیات خود آن هم در یک سطح عالی و مدنی ادامه دهد؟

هویت‌های چندگانه و ترکیبی مقوله‌ای است که با تحولات تاریخی جهان و روند دگرگونی جوامع و مسیر آن‌ها به سوی جهانی شدن، مطرح شده است آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد این است که آیا گرایش به جهانی شدن مترادف با حذف

فرهنگ‌های قومی، ملی، دینی است یا نه برعکس فرآیند جهانی شدن گرایش به فرهنگ‌های قومی و دینی را در بین ملل افزایش داده است. آیا در عصر ارتباطات و فن‌آوری یا به تعبیر مک لوهان «دهکده جهانی» انسان باید دارای هویت خاص باشد یا عام، آیا امکان ترکیب هویت‌های خاص و عام وجود دارد، داشتن هویت‌های متعدد موجب تعارض برای افراد محسوب می‌شود یا نه افراد با داشتن هویت‌های متعدد می‌توانند مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی در صحنه بزرگ جهانی را کسب کنند.

تعادل هویتی و پذیرش «هویت ترکیبی» جامعه را در مقابل از هم گسیختگی و تقابل قومی ایمن می‌کند. در چنین حالتی می‌توان همبستگی و وحدت سیاست را با تقویت انجمن‌های میانجی و ترویج گفتمان دموکراسی خواهی بوجود آورد. در جوامع چند قومی «تک هویت» هویت مسلط با بهرگیری از فرهنگ‌پذیری یک طرفه بر استحاله فرهنگ قومیت‌ها در قالب هویت ملی می‌پردازند. در صورتی که گروه‌های قومی اقلیت به مقاومت فرهنگی یا سیاسی دست بزنند و در مقابل «ادغام» و استحاله واکنش نشان دهند، نوعی بحران یا هویت مغشوش شکل می‌گیرد. شکل‌گیری هویت مغشوش و چندپاره متعارض نظام اجتماعی را با چالش دائمی روبرو می‌کند، در این حالت ایجاد تعادل برای نظام سیاسی مروج هویت مسلط امری بس دشوار خواهد بود.

استراتژی هویت‌سازی در نظام‌های سیاسی مشرق زمین تلاش مستمر برای ساختن هویت واحد بوده است. در یک سده اخیر هویت‌سازی ایران بر اساس شاخصه‌ها و عناصر فرهنگ قوم مسلط مبتنی بوده است. این بر ساخته مصنوعی جز در یک سوم وسعت جغرافیایی ایران، در سایر پهنه‌های جغرافیایی که اقوامی با عناصر فرهنگی. تمایز را در بر گرفته است. همواره به عنوان یک عامل تنش‌زا عمل نموده است. پارادایم هویت ترکیبی این چالش اساسی را به صورتی کاملاً کارکردی رفع می‌نماید. در این پارادایم در ساختن هویت ایرانیان باید تنوع خودآگاهی‌ها در نظر گرفته شود. ایده غالب آن است که منابع و سرچشمه‌های هویتی ایرانیان ترکیبی از ایرانی بودن، اسلام و فرهنگ مدرن است. و ایرانی بودن مترادف با فارس بودن یعنی هویت قوم مسلط محسوب نمی‌شود» (پایگاه اینترنتی گروه‌های آموزشی مریوان، ).

در هر حال با توجه به اهمیت این مسئله در عصر کنونی و گرایش قشر عظیمی از جوانان جامعه به سوی هویتی خودیاب جا دارد که این مقوله (هویت‌های چندگانه) مورد کالبدشکافی اجتماعی قرار بگیرد. تا نتایج حاصل از آن توشه راه افراد تشنه در جهت شدنی بی‌انتهای گردد. چرا که گرایش به هویت‌های چندگانه همان‌گونه که در بالا ذکر شد با دو تفسیر روبروست:

- عده‌ای آن را از بعد مثبت نگریسته و آن را یکی از مهارت‌های چندگانه در عصر کنونی می‌دانند.

- عده‌ای آن را از بعد منفی نگاه کرده و باعث سردرگمی افراد در پای‌بندی به هویت‌های دینی، ملی، قومی جهانی جوامع مطرح می‌کنند.

در این میان اگر افراد اطلاعات درست و منطقی برای تحلیل این مقوله داشته باشند بهتر می‌توانند در جهت ساختن هویتی آزاد گام بردارند و گرنه ممکن است قربانی سوءتعبیرهای ناشی از تجزیه و تحلیل‌های غلط و غیرمنطقی واقع شده در عرصه قدرت جهانی یا بازیچه و آلت دست سوداگران اندیشه‌های واهی و معتصبانه گشته و یا در باورهای به ظاهر متجددانه گرفتار گردند. بنابراین لازم است تا با آگاهی از سطوح مختلف هویت و توانایی از ترکیب و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر برای تعاملات اجتماعی بهتر و انسانی‌تر آماده شویم. بی‌گمان با چنین بستر و شرایط و امکانات می‌توان جهانی اندیشید، محلی زندگی کرد.

و اینها همه مصداق و گواه این آیه شریف قرآن است که:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر اوانثی جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان الله علیکم اذین عذیب» (سوره حجرات، آیه ۱۳) ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زن آفریدیم و آنگاه به صورت دسته به دسته و قوم به قوم تا وسیله شناخت یکدیگر باشید و گرنه هیچ قومی را بر قوم دیگر برتری نیست الا به تقوا و همانا خدا بر نیک و بد مردم و ظاهر و باطن خلق کاملاً آگاه است.

بالاخره به عنوان آخرین نکته می‌توان اشاره کرد که یک فرد می‌تواند دارای چندین هویت مختلف بوده و وجود آنها در کنار همدیگر به منزله نوعی تعارض و تناقض و یا نفی یکدیگر قلمداد نمی‌شود. هویت‌های چندگانه و ترکیبی مقوله‌ای است که با تحولات تاریخی جهان و روند دگرگونی جوامع و مسیر آن‌ها به سوی جهانی شدن، مطرح شده است. بنابراین سوال اصلی این مقاله این است که چه عواملی با میزان هویت ترکیبی افراد مرتبط بوده است.

**ادبیات و پیشینه** - تحقیق رامین رادگان تحت عنوان بررسی جامعه‌شناختی تعامل هویت‌های ملی و دینی و عوامل موثر بر آن که در سال ۸۷ در میان دانشجویان دانشگاه تبریز و با نمونه آماری ۵۴۴ نفری انجام شده است نشان می‌دهد که بین هویت قومی دانشجویان و هویت دینی رابطه معنی‌دار وجود دارد و از طرفی ارتباط بین هویت قومی و رشته تحصیلی دانشجویان نیز معنی‌دار است. این تحقیق همچنین رابطه بین جنسیت و پایگاه اجتماعی دانشجویان را با هویت قومی معنی‌دار می‌بیند.

- هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های سنجندج عنوان پژوهشی از محمد عبدالهی و برزو مروت می‌باشد. این تحقیق در بین دانشجویان ورودی ۸۲-۸۳ دانشگاه‌های سنجندج با حجم نمونه ۱۹۳ نفر صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دختر و پسر از لحاظ نوع هویت غالب وجود ندارد. همچنین دانشجویان دارای هر سه نوع هویت قومی، ملی، جهانی بوده‌اند، اما در درجه اول هویت قومی، در درجه دوم هویت جهانی، و در نهایت دارای هویت ملی بوده‌اند.

- نتایج تحقیق اکرم حبی و بهمن محمدبخش زیر نظر دکتر فتاحی آذر با عنوان «جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی بر روی دانشجویان ترک، کرد و فارس دانشگاه تبریز» نشان می‌دهد که با افزایش هویت جهانی در بین دانشجویان، هویت ملی آنان کاهش می‌یابد، یعنی با فرایند جهانی شدن، هویت‌های محلی رو به کاهش می‌گذارد. همچنین نتایج بدست آمده از تحقیق نشانگر آن است که حکومت و ارگان‌های دولتی ایران در مقایسه با سایر مناطق به خوبی نتوانسته‌اند از فرصت‌های فراسوی هویت‌های محلی استفاده کنند.

- نتایج پژوهش پایان‌نامه آروز شالفروش با عنوان «بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی، دینی) دانش‌آموزان متوسطه شهرستان تبریز و عوامل مرتبط با آن در سال ۸۹ نشان داد که:

هویت غالب در نزد دانش‌آموزان هویت دینی بوده و هویت‌های ملی، جهانی و قومی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. همچنین وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و احساس تعلق به هویت جهانی، بیان‌کننده ناگزیر بودن روند جهانی شدن و نفوذ آن با سرعت شگفت‌آور در همه زمینه‌ها است. لذا لازم است به جای چشم بستن بر این واقعیت و انکار آن، برخوردی عقلانی و منطقی با این واقعیت به عمل آید.

- غریب خواجه (۱۳۸۹)، در تحقیقی که بر روی دانشجویان دانشگاه تبریز انجام داده، به بررسی میزان محلی‌گرایی و جهانی‌گرایی دانشجویان در ابعاد مختلف پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی است که دانشجویان از نظر جهانی‌گرایی در سطح بالا و از نظر محلی‌گرایی در سطح پایین قرار دارند. بین میزان جهانی‌گرایی دانشجویان و نگرش آنها نسبت به ماهواره رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین میزان محلی‌گرایی و نگرش آنها نسبت به ماهواره رابطه معنی‌داری وجود دارد. در نهایت این که بین محلی‌گرا بودن و جهانی‌گرا بودن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- نتایج تحقیق حسن رشیدی تحت عنوان «بررسی ارتباط عوامل اجتماعی با هویت جمعی (قومی، ملی و جهانی) دانشجویان دانشگاه آزاد مهاباد که با حجم نمونه ۵۸۱ نفری انجام گرفته نشان می‌دهد که بین متغیرهایی چون جنسیت، شبکه روابط اجتماعی دانشجویان، هویت جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- نتایج پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی دانشجویان آذری، بلوچ و عرب دانشگاه‌های دولتی کشور در سال ۱۳۸۷ و ارتباط «احساس محرومیت نسبی و جامعه‌پذیری قومی» با هویت دوگانه (ملی و قومی) با نمونه پژوهشی ۶۳۹ نفر توسط محمد عباس‌زاده و حسن میرزایی نشان داد که:

بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه‌ی مثبت، هم‌افزا و متوسطی وجود دارد. بین متغیر احساس محرومیت نسبی و هویت ملی رابطه‌ی منفی نسبتاً بالا و با متغیر هویت قومی رابطه‌ی مثبت در حد ضعیفی بوده است. در خصوص متغیر جامعه‌پذیری قومی نیز رابطه با هویت ملی مثبت و ضعیف اما با هویت قومی رابطه مثبت در حد نسبتاً بالایی بوده است.

دنی دو رژومون مسئله تعلق‌های چندگانه را در سال ۱۹۶۵ در سوئیس بررسی کرده است. در این مطالعه، وی نشان می‌دهد که یک فرد سوئیسی متوسط میان تعلق‌های متفاوت که درهم تداخل دارند تقسیم می‌شوند. تعلق به شهر خود، به یک کانتون و به یکی از چهار گروه زبانی کشور یا کنفدراسیون سوئیس. این چندگانگی در حالی وجود دارد که احساس تعلق از رده‌های پایینی به رده‌های بالایی افزایش نمی‌یابد. در این میان می‌توان از تعلق فرد مزبور به اروپا یا مجموعه‌های فرهنگی دینی و گسترده‌تر نیز سخن گفت، حتی اگر اکثریت دولت‌ها وفاداری اتباع خود به سایر هویت‌ها را جرم تلقی کنند (رولان برتون، ۱۳۸۰: به نقل از حاجیانی).

- فردریک بارث، مردم‌شناس نروژی، در پی دریافت این بود که در سپهر اجتماعی چه صورت‌بندی‌های اجتماعی (یا جمعی) وجود دارد. وی ضمن بررسی ساختار اجتماعی تفاوت فرهنگی (در ۱۹۶۹) و نیز بررسی پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی در منطقه صحار کشور عمان به کثرت فرهنگی، وجود الگوهای متنوع و گوناگون فرهنگی یا به قول خودش «جهان‌های سخن یا سیلان‌های سنت» پی برد و از قومیت، مذهب، تاریخ، شغل، تبار، طبقه، شیوه زندگی و جنسیت به عنوان وجوهی از کثرت فرهنگی نام برد.

بارث همچنین به این نتیجه رسید که هویت‌های جمعی - که در جریان بده و بستان و تعامل بوجود می‌آیند، انعطاف‌پذیر و منوط به موقعیت و قابل چون چرا کردن هستند، و در نتیجه هویت‌ها دارای سامان اجتماعی و در جریان تعامل در منطقه مرزی و از ورای خطوط مرزی‌ای که با هویت‌های دیگر دارند، به دست می‌آیند. (همان، ص ۱۸۰)

- کوچی ناکامورا<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در کارش با عنوان «سازگاری هویت ملی و اروپایی در میان دانشجویان دانشگاه‌های انگلستان و آلمان» به بررسی سازگاری هویتی پرداخته است. در این تحقیق، دانشجویانی از دانشگاه لیدز و بوخوم در سال ۲۰۰۵ به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. سوالات اساسی این تحقیق به این شکل بود که آیا ظهور شهروندی اروپا، هویت ملی را تهدید می‌کند؟ و آیا هویت‌های بریتانیایی (یا آلمانی) و اروپایی دو به دو ناسازگار است؟ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که هم از دیدگاه دانشجویان آلمانی و هم از دیدگاه دانشجویان انگلستانی هویت اروپایی با هویت ملی آنان ناسازگاری ندارد. ولی میزان سازگاری

---

1 - Koji Nakamura



در دانشجویان انگلیسی بیشتر از دانشجویان آلمانی است. محقق دلیل این سازگاری را وجود جامعه چند فرهنگی مدرن و اهمیت دادن به حقوق بشر و وجود دموکراسی می‌داند. (ناکامورا، ۲۰۰۷).

- در تحقیق دیگری که به وسیله بلوم در کشورهای حوزه دریای خزر انجام گرفته و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در میان مردم این منطقه کشش‌های زیادی نسبت به پیشرفت‌های غرب در حوزه‌های اقتصادی، علم و تکنولوژی وجود دارد اما همزمان با آن، تنفر شدیدی نیز نسبت به جریان‌های سرکش و غیرقابل کنترل دولت‌های غربی مشاهده می‌شود. ولی در پایان تحقیق اظهار می‌دارد گسترش فرهنگ دو رگه‌ای در شهرهای مورد مطالعه، الگوی نمونه‌ای از فرهنگ دورگه‌ای در جهان بزرگتر را ثابت می‌کند. (بلوم، ۲۰۰۳)

- مطالعات رولان برتون نشان می‌دهد که علی‌رغم این که مجموعه جمعیتی که در یوگسلاوی سابق تا سال ۱۹۹۱ به یک زبان واحد معین (صربی - کرواتی) سخن می‌گفت و جمعیت آنان در آن زمان به ۱۷ میلیون نفر می‌رسید، خود به چهار گروه قومی تشکیل می‌شد که مشخصات فرهنگی و تاریخی بسیار گویایی (خارج از زبان) آن‌ها را از یکدیگر تفکیک می‌کرد:

۱- قوم صرب (۸/۵ میلیون نفر) که دارای مذهب مسیحیت ارتدکس بوده و به نسبت دولت باستانی امپراتوری صربستان تکیه می‌زد. در این دولت که از سال ۱۹۱۸ تشکیل و در سال ۱۹۲۹ نام یوگسلاوی به خود گرفت صرب‌ها دارای سلطه بوده‌اند علی‌رغم این که کشور به شکل فدرال اداره می‌شده است.

۲- مونتر نگرها که ۶۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند و مذهب آن‌ها نیز مسیحیت ارتدکس بوده است.

۳- کروات‌ها (۵ میلیون نفر) با مذهب مسیحیت کاتولیک رومی

۴- بوسنیایی‌ها (۲/۵ میلیون نفر) که پای‌بند به دین اسلام بودند.

با وجود این ترکیب همچنین از آنجایی که تمام نیروهای مسلط از جمله ارتش یوگسلاوری در اختیار صرب‌ها بوده، سایر اقوام را با تحقیر نگاه می‌کردند. به همین دلیل دو جنگ پی‌درپی برانگیخته شد، نخست جنگ در کرواسی از ژوئن ۱۹۹۱ تا ژانویه ۱۹۹۲ و سپس جنگ بوسنی از آوریل ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵.

تسلط بیش از هفتاد ساله صرب‌ها به اصطلاح فدراسیون یوگسلاوی تصور ایجاد کشورهایی در دل یوگسلاوی که صرب‌ها در آن همواره ادعای صربستان بزرگ را داشتند و سال‌ها در جهت «یکسان‌سازی فرهنگی» کوشیده بودند، را غیرقابل تحمل کرد و آن‌ها را در جهت کشتار کروات‌ها و بخصوص مسلمانان در بوسنی که حالت پاکسازی نژادی به خود گرفت، سوق داد. گورهای دسته‌جمعی، کشتار و تلاش برای نابودی قومی زیردست که توان دفاع از خود در مقابل قوم مسلط و معیار را ندارد، تحت

عنوان سیاست‌های تکثرگرایی نابرابر یک گروه قومی مسلط سعی می‌کند گروه‌های قومی دیگر را مقهور خود سازد این روش ممکن است با اخراج و نابودسازی گروه‌هایی از اقلیت قومی به اوج خود برسد. (برتون، ۱۳۸۷)

### اهداف و فرضیه‌های پژوهش

هدف اصلی: بررسی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به هویت‌های چندگانه و ترکیبی و عوامل مرتبط با آن.

اهداف جزئی: - تعیین میزان گرایش جامعه مورد مطالعه به هویت‌های چندگانه و ترکیبی

- تعیین رابطه بین استفاده از فناوری اطلاعاتی و گرایشی به هویت‌های چندگانه و ترکیبی مورد مطالعه.

- تعیین رابطه بین طبقه اجتماعی و گرایش به هویت‌های چندگانه و ترکیبی در جامعه مورد مطالعه

- تعیین رابطه بین سن و گرایش به هویت‌های چندگانه و ترکیبی در جامعه مورد مطالعه

- تعیین تفاوت میزان گرایش جامعه آماری مورد مطالعه به هویت‌های چندگانه ترکیبی برحسب جنسیت آن‌ها

- تعیین تفاوت میزان گرایش جامعه آماری مورد مطالعه به هویت‌های چندگانه ترکیبی برحسب رشته تحصیلی آن‌ها

### فرضیه‌های پژوهش

۱- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به هویت‌های چندگانه بالاتر از حد متوسط است.

۲- بین استفاده از فناوری اطلاعاتی و میزان گرایش دانشجویان به هویت‌های چندگانه رابطه وجود دارد.

۳- بین طبقه اجتماعی دانشجویان به هویت‌های چندگانه رابطه وجود دارد.

۴- بین سن دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به هویت‌های چندگانه رابطه وجود دارد.

۵- میزان گرایش دانشجویان دختر و پسر به هویت‌های چندگانه متفاوت است.

۶- میزان گرایش دانشجویان به هویت‌های چندگانه بر اساس رشته تحصیلی متفاوت است.

**روش تحقیق:** تحقیق حاضر به لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات، در زمره تحقیقات پیمایشی است. از طرفی این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است، همچنین از نظر سطح مشاهده از نوع خرد<sup>۱</sup> هست؛ از نظر زمان نیز، از نوع مقطعی است. جامعه آماری،

1. Micro

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ که تعداد آنها برابر با ۲۵۹۷۴ نفر می باشد که از این تعداد ۱۱۵۳۵ نفر دختر و ۱۴۴۳۹ نفر پسر هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است. با دقت احتمالی ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵ درصد حجم نمونه برابر ۳۱۰ نفر به دست آمد. شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی از هر یک از دانشکده‌ها بوده است.

**ابزار گردآوری اطلاعات:** برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آزمون فرضیه‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

**اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> ابزار اندازه‌گیری:** اعتبار محتوای پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید و متخصصین این حوزه بررسی گردید. پرسشنامه در اختیار ۷ نفر از اساتید و محققین قرار گرفت و نظرات آنها در مورد اعتبار هر گویه پرسیده شد. پاسخگویان به هر یک از گویه‌ها نمره‌ای بین ۱ تا ۱۰ دادند که در نهایت نمرات آنها به درصد تبدیل گردید. میزان صدق هر گویه بالای ۷۰ درصد گزارش گردید. جهت بررسی پایایی پرسشنامه، از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای استفاده از فناوری اطلاعاتی برابر ۰/۷۰۴، برای هویت قومی برابر ۰/۷۲۹، برای هویت ملی برابر ۰/۸۱۹، برای هویت دینی برابر ۰/۷۸۹ و برای هویت جهانی برابر ۰/۸۱۳ به دست آمد. با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ بزرگتر از مقدار استاندارد ۰/۷ است نتیجه می‌گیریم پرسشنامه از پایایی درونی خوبی برخوردار است.

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده در دو بخش: توصیفی و استنباطی و آزمون‌های آماری مناسب با برنامه "SPSS" انجام شده است.

**یافته‌های تحقیق:** این پژوهش با عنوان «میزان گرایش به هویت‌های چند گانه در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز» انجام شده است. از کل نمونه مورد بررسی، ۴۰/۱ درصد زن و ۵۹/۹ درصد مرد هستند. ۸۲/۶ درصد مجرد و ۱۷/۴ درصد متأهل هستند. محل سکونت ۹۵/۶ درصد شهر و ۴/۴ درصد روستا است. ۱۰/۱ درصد ساکن خوابگاه و ۸۹/۹ درصد نیستند. رشته تحصیلی ۳۶/۳ درصد علوم انسانی، ۹/۵ درصد علوم پایه، ۴۲ درصد فنی و مهندسی و ۱۲ درصد پزشکی است. مقطع تحصیلی ۷۲/۹ درصد کارشناسی، ۱۸ درصد کارشناسی ارشد و ۹/۱ درصد دکترا است. ۹۰/۲ درصد ترک، ۵ درصد کرد و ۴/۷ درصد فارس هستند. طبقه اجتماعی ۱۸/۰ درصد پایین، ۴۷/۹ درصد متوسط و ۳۴/۱ درصد بالا است. میانگین سن برابر ۲۳/۳۹ سال، کمترین مقدار برابر ۱۸ و بیشترین مقدار برابر ۳۶ سال است. میانگین استفاده از فناوری اطلاعاتی برابر ۳۳/۶۲، کمترین مقدار برابر صفر و بیشترین مقدار برابر ۶۸/۷۵ است. میانگین هویت قومی برابر ۶۸/۴۱، کمترین مقدار برابر ۲۷/۵ و بیشترین مقدار برابر ۱۰۰/۰ است. میانگین هویت ملی برابر ۷۰/۳۲، کمترین مقدار برابر ۲۸/۳۳ و بیشترین مقدار برابر ۱۰۰/۰ است. میانگین

1- Validity  
2- Reliability

هویت دینی برابر ۵۵/۹۹، کمترین مقدار برابر صفر و بیشترین مقدار برابر ۱۰۰/۰ است. میانگین هویت جهانی برابر ۷۹/۵۵، کمترین مقدار برابر ۵۱/۲۵ و بیشترین مقدار برابر ۱۰۰/۰ است. میانگین هویت چند گانه برابر ۶۸/۵۷ است.

### آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه ۱: متوسط میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به هویت‌های چندگانه: برای آزمون این فرضیه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. جدول شماره (۱) نتایج آزمون تک نمونه‌ای و سطح معنی داری هر یک از هویت‌ها را نشان می‌دهد.

جدول (۱): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان هویت‌های چندگانه

مقدار آزمون = ۳							متغیر
میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
18.41483	.000	316	19.301	16.98674	68.4148	317	هویت قومی
20.32072	.000	316	19.070	18.97220	70.3207	317	هویت ملی
5.99369	.000	316	4.125	25.87096	55.9937	317	هویت دینی
29.54653	.000	316	49.081	10.71820	79.5465	317	هویت جهانی
18.56894	.000	316	31.752	10.41235	68.5689	317	هویت چندگانه

فرضیه ۲: استفاده از فناوری اطلاعاتی و میزان گرایش دانشجویان به هویت‌های چندگانه: برای آزمون این فرضیه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، بین استفاده از فناوری اطلاعاتی و میزان گرایش دانشجویان به هویت جهانی رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد، ولی بین سایر هویت‌ها و استفاده از فناوری رابطه معنی داری مشاهده نمی‌شود.

جدول (۲): آزمون همبستگی پیرسون برای استفاده از فناوری اطلاعاتی و هویت‌های چندگانه

هویت جهانی	هویت دینی	هویت ملی	هویت قومی	هویت چندگانه		استفاده از فناوری اطلاعاتی
.115*	-.071	-.089	-.032	-.068	ضریب همبستگی	
.041	.209	.112	.567	.225	سطح معنی داری	
317	317	317	317	317	تعداد	

**فرضیه ۳:** طبقه اجتماعی و گرایش به هویت‌های چندگانه: برای آزمون این فرضیه، از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. سطح معنی‌داری آنالیز واریانس در هویت دینی برابر  $0/029$  است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس از  $0/05$ ، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه بین طبقه اجتماعی دانشجویان و میزان گرایش آنها به هویت دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD حاکی است که گرایش به هویت دینی در دانشجویان طبقه اجتماعی متوسط بیشتر از دانشجویان طبقه بالا است. همچنین نتایج آنالیز واریانس نشان می‌دهد که بین طبقه اجتماعی دانشجویان و میزان هویت قومی، هویت ملی و هویت جهانی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد (سطح معنی‌داری آزمون بزرگتر از  $0/05$  است).

**فرضیه ۴:** سن و میزان گرایش به هویت‌های چندگانه: برای آزمون این فرضیه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سن با هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی و هویت جهانی رابطه معنی‌داری وجود ندارد (سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگتر از  $0/05$  است).

**فرضیه ۵:** میزان گرایش دانشجویان به هویت‌های چندگانه بر حسب جنیست: برای آزمون این فرضیه از آزمون  $t$  مستقل استفاده شده است. میانگین گرایش به هویت قومی در دانشجویان زن برابر  $66/09$  و در دانشجویان مرد برابر  $69/97$  و سطح معنی‌داری برابر  $0/046$  است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون  $t$  که کمتر از  $0/05$  است فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میزان گرایش به هویت قومی در دانشجویان مرد بطور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان زن است. همچنین نتایج آزمون  $t$  مستقل نشان می‌دهد که میزان هویت ملی، هویت دینی و هویت جهانی در دانشجویان زن و مرد تفاوت معنی‌داری ندارد (سطح معنی‌داری آزمون  $t$  بزرگتر از  $0/05$  است).

**فرضیه ۶:** رشته‌های مختلف تحصیلی و گرایش به هویت‌های چندگانه: برای آزمون این فرضیه، از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. فرض صفر در آنالیز واریانس برابر بودن میانگین متغیر وابسته در تمام سطوح متغیر مستقل است. اگر سطح معنی‌داری آزمون کمتر از  $0/05$  باشد فرض صفر رد خواهد شد. سطح معنی‌داری آنالیز واریانس در هویت جهانی برابر  $0/017$  است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس از  $0/05$ ، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میزان گرایش دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی به هویت جهانی تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD حاکی است که گرایش به هویت جهانی در دانشجویان علوم پایه کمتر از سایر رشته‌ها است. همچنین نتایج آنالیز واریانس نشان می‌دهد که میزان هویت قومی، هویت ملی و هویت دینی در بین دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری ندارد (سطح معنی‌داری آزمون بزرگتر از  $0/05$  است).

## بحث و نتیجه‌گیری

میزان میانگین هر چهار بعد (قومی، ملی، دینی و جهانی) بالا تر از حد متوسط است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات شالفروش، رامین رادگان، حاجیانی، عبدالهی و مروت و ناکامورا همسو می‌باشد. شالفروش نشان داد که هویت غالب در نزد دانش‌آموزان هویت دینی بوده و هویت‌های ملی، جهانی و قومی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. رامین رادگان نشان می‌دهد که بین هویت قومی دانشجوی و هویت دینی رابطه معنی‌دار وجود دارد. حاجیانی در تحقیقی نشان داد بین ابعاد هویتی (قومی، ملی، مذهبی، مدرن) تعارض ذاتی و بنیادین وجود ندارد و بین هویت‌ها همزیستی وجود دارد. عبدالهی و مروت نشان دادند که دانشجویان دارای هر سه نوع هویت قومی، ملی، جهانی بوده‌اند. ناکامورا نشان می‌دهد که هویت اروپایی با هویت ملی آنان ناسازگاری ندارد. محقق دلیل این سازگاری را وجود جامعه چند فرهنگی مدرن و اهمیت دادن به حقوق بشر و وجود دموکراسی می‌داند (ناکامورا، ۲۰۰۷: ۲۸-۱ به نقل از حاجیانی ۱۳۹۰: ۱۵۸).

بین استفاده از فناوری اطلاعاتی و میزان گرایش دانشجویان به هویت جهانی رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. ولی بین سه بعد دیگر رابطه معنا دار نیست. نتیجه این فرضیه با تحقیق غریب خواجه همسو می‌باشد. وی نشان داد که بین میزان جهانی‌گرایی دانشجویان و نگرش آنها نسبت به ماهواره رابطه معنی‌داری وجود دارد. استفاده از فناوری اطلاعاتی باعث آگاهی انسانها شده و میزان انطباق آنها با جامعه جهانی را افزایش می‌دهد. گیدنز معتقد است که چون امکانات گزینش و انتخاب در دنیاها ممکن به وجود آمده است، ماهیت زندگی روزمره به طور مستمر تحت تاثیر وصلت بین عناصر محلی و جهانی تحول می‌یابد؛ به نحوی که فرد بایستی هویت خود را به طور مداوم و روزمره ایجاد نماید و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. در سطح کلان نیز جهانی شدن همزمان عامل افزایش اهمیت منطقه‌گرایی، ملی‌گرایی محلی، قوم‌گرایی محلی و عدم تمرکزگرایی شده است. به نظر گیدنز اغلب مردم «خویشتن» یکپارچه‌ای را تجربه می‌کنند و در نتیجه از امنیت وجودی برخوردارند. وی هویت شخصی یا خودشناسی را آگاهی و تأمل بر خویشتن می‌داند و این تأمل و بازاندیشی را ویژگی مدرنیته‌ی متاخر می‌داند. گیدنز موضوع همزیستی و توازی هویت‌های خرد و کلان را پیش می‌کشد و انواع هویت را در سطح محلی و جهانی مطرح می‌کند. به اعتقاد گیدنز هرچه آگاهی انسان‌ها بیشتر شود فرهنگ‌ها و هویت‌ها فراگیرتر می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۸).

بین طبقه اجتماعی دانشجویان و میزان گرایش آنها به هویت دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. اما بین طبقه اجتماعی دانشجویان و میزان هویت قومی، هویت ملی و هویت جهانی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد (سطح معنی‌داری آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است). نتیجه این فرضیه با تحقیق رامین رادگان غیرهمسو می‌باشد. وی نشان می‌دهد که رابطه بین پایگاه اجتماعی دانشجو با هویت قومی معنی‌دار است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سن با هویت قومی، هویت ملی،

هویت دینی و هویت جهانی رابطه معنی‌داری وجود ندارد (سطح معنی‌داری آزمون پیرسون بزرگتر از ۰/۰۵ است) شاید اگر اثر سن غیرخطی بررسی می‌شد نتایج متفاوتی به دست می‌آمد.

میزان گرایش به هویت قومی در دانشجویان مرد بطور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان زن است. همچنین نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که میزان هویت ملی، هویت دینی و هویت جهانی در دانشجویان زن و مرد تفاوت معنی‌داری ندارد (سطح معنی‌داری آزمون t بزرگتر از ۰/۰۵ است). نتیجه این فرضیه با نتایج رامین رادگان و رشیدی همسو بوده و با نتیجه تحقیق عبدالهی و مروت غیرهمسو می‌باشد. رامین رادگان نشان می‌دهد که بین جنسیت و هویت قومی رابطه معنی‌داری وجود دارد. عبدالهی و مروت نشان دادند که تفاوت معناداری بین دختر و پسر از لحاظ نوع هویت غالب وجود ندارد. رشیدی نشان داد که بین جنسیت و هویت جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. از آنجا که هویت‌یابی فرایندی دیالکتیکی و دوسویه است در تحلیل هویت ضرورت دارد تا در کنار عوامل اجتماعی سطح خرد، نقش رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی و تخصیص آمرانه هویت‌ها به افراد و چگونگی تفسیر، مواجهه و مقابله‌ی افراد با این رده‌بندی‌ها را نیز مورد توجه قرار داد، به نظر جنکینز، رده‌بندی‌های اجتماعی و هویت‌سازی نهادی همواره با مقاومت مواجه می‌شوند، اما همه‌ی گروه‌ها و اجتماعات از جمله اقلیت‌های قومی و زنان به یک اندازه توان مقاومت در برابر رده‌بندی‌ها را نداشته و توان مقاومت و قابلیت بازاندیشی آنها به میزان سرمایه‌ها و منابع مادی و فرهنگی در دسترس آنان وابسته است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۸۹). از طرف دیگر زنان در برابر هویت‌های تحمیلی از طرف نهادها مقاومت کمتری دارند و تحت تاثیر تبلیغات و القائات نهادهای رسمی، میزان گرایش به هویت ملی (به تعبیری دیگر هویت رسمی) بیشتر است و همچنین جاذبه‌های جهانی شدن و هویت جهانی نیز آنها را به خود جلب می‌کند.

سطح معنی‌داری آنالیز واریانس در زمینه رشته تحصیلی با هویت جهانی برابر ۰/۰۱۷ است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میزان گرایش دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی به هویت جهانی تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD حاکی است که گرایش به هویت جهانی در دانشجویان علوم پایه کمتر از سایر رشته‌ها است. همچنین نتایج آنالیز واریانس نشان می‌دهد که میزان هویت قومی، هویت ملی و هویت دینی در دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری ندارد (سطح معنی‌داری آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است). براساس نظریه موریس دوورژه نوع تحصیلات در گرایش افراد به فعالیت‌های جمعی و گرایش‌های سیاسی موثر است.

## پیشنهادات

- تاکید بر ترکیبی بودن هویت از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی، از تنش‌های درونی افراد و همچنین تنش‌ها و تضادهای اجتماعی و گروهی کاسته و زمینه سازگاری اجتماعی را فراهم می‌آورد.

- بالا بودن میزان هویت جهانی در نمونه مورد مطالعه، نشانگر تاثیر عمیق جهانی شدن در همه جنبه‌های زندگی است. لذا سازگاری با جامعه جهانی و تعامل با آن، می‌تواند اثرات مثبت جهانی شدن را نصیب جامعه کند و آن را در راستای هویت قومی، ملی و دینی قرار دهد نه در مقابل اینها.

- نتایج تحقیق نشان داد که بین استفاده از فناوری اطلاعاتی و میزان گرایش دانشجویان به هویت جهانی رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. پیشنهاد می‌شود با ترویج و تعمیق استفاده از فناوری اطلاعاتی، زمینه لازم برای سازگاری با جامعه جهانی فراهم شود.

### پیشنهادات پژوهشی

- بررسی هویت‌های چندگانه در بین دو قلوها با هدف تثبیت تأثیر خصوصیات فردی و شخصیتی.
- بررسی تأثیر رسانه‌ها مخصوصاً رسانه‌های مدرن و شبکه‌های اجتماعی در هویت و میزان گرایش افراد به آن.
- مقایسه میزان هویت‌های چندگانه در طبقات مختلف سنی.
- هویت در این تحقیق بر اساس پرسشنامه و بصورت خودگزارش‌دهی بود. انجام تحقیق کیفی با استفاده از روش مصاحبه و مشاهده نتایج ارزشمندی می‌تواند داشته باشد.

### منابع فارسی

- بوردیو، پی، ۱۳۸۴، شکل‌های سرمایه، گرد آورنده کیان تاجبخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیراز.
- بیرو، آلن، ۱۳۷۰، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی و انتشارات کیهان.
- پرستش، شهرام، جمشیدی‌ها، غلامرضا ۱۳۸۶، دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی بوردی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۱-۳۲.
- توسلی، غلامعباس وقاسمی، یار محمد، مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱.
- جمالی، یاور، ۱۳۹۲، بررسی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر سازگاری بین هویت محلی و جهانی (مورد مطالعه شهر تبریز)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد.
- جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۱، هویت اجتماعی، ترجمه‌ی توج یارمحمدی، تهران، نشر شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۹۲، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- رادگان، رامین، ۱۳۸۷، بررسی جامعه‌شناختی تکامل هویت‌های ملی و دینی و عوامل موثر بر آن در دانشجویان دانشگاه تبریز.



-شالفروش، آرزو و صباغ، صمد، ۱۳۸۷، بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی و قومی، دینی) دانش‌آموزان دوره ی متوسطه و عوامل مرتبط با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

-عبداللهیان، حسین ۱۳۷۸، نظریه ی روابط ترکیبی شیوه های فرهنگی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۳

- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۳، مبانی نظری هویت و بحران هویت، جهاد دانشگاهی تهران.

- غریب خواجه، سعید، ۱۳۸۹، دانشگاه هویت و جهانی شدن، ویژه‌نامه هویت و جهانی شدن، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۱، شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی، جهانی (مطالعه موردی مرستان) مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.

- کوزر، لوییس، ۱۳۷۸، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

- گل محمدی، احمد، ۱۳۸۳، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.

-گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص، ترجمه ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

-هاشمی، رشید، ۱۳۹۰، بررسی جامعه‌شناسی عوامل مرتبط با میزان گرایش به هویت قومی در میان دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تبریز

#### منابع لاتین

- Burges, E. 1978. "The resurgence of Ethnicity" *Ethnic and Racial Studies*, 1(3):265-285
- Guibernau, M. 2001. *Globalization and nation-State in Understanding Nationalism*, Cambridge: polity Press.
- Keyes, C (1998), Ethnicity. *In The Encyclopedia of Politics and Religion*, London: Routledge.